

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

جلسه
۲۱۴

شماره
۱۷۹

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه سه شنبه اول

اسفند ماه ۱۳۰۶

مطابق ۲۸ شعبان المعظم

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مصنعه مجلس

قیمه اشتراك

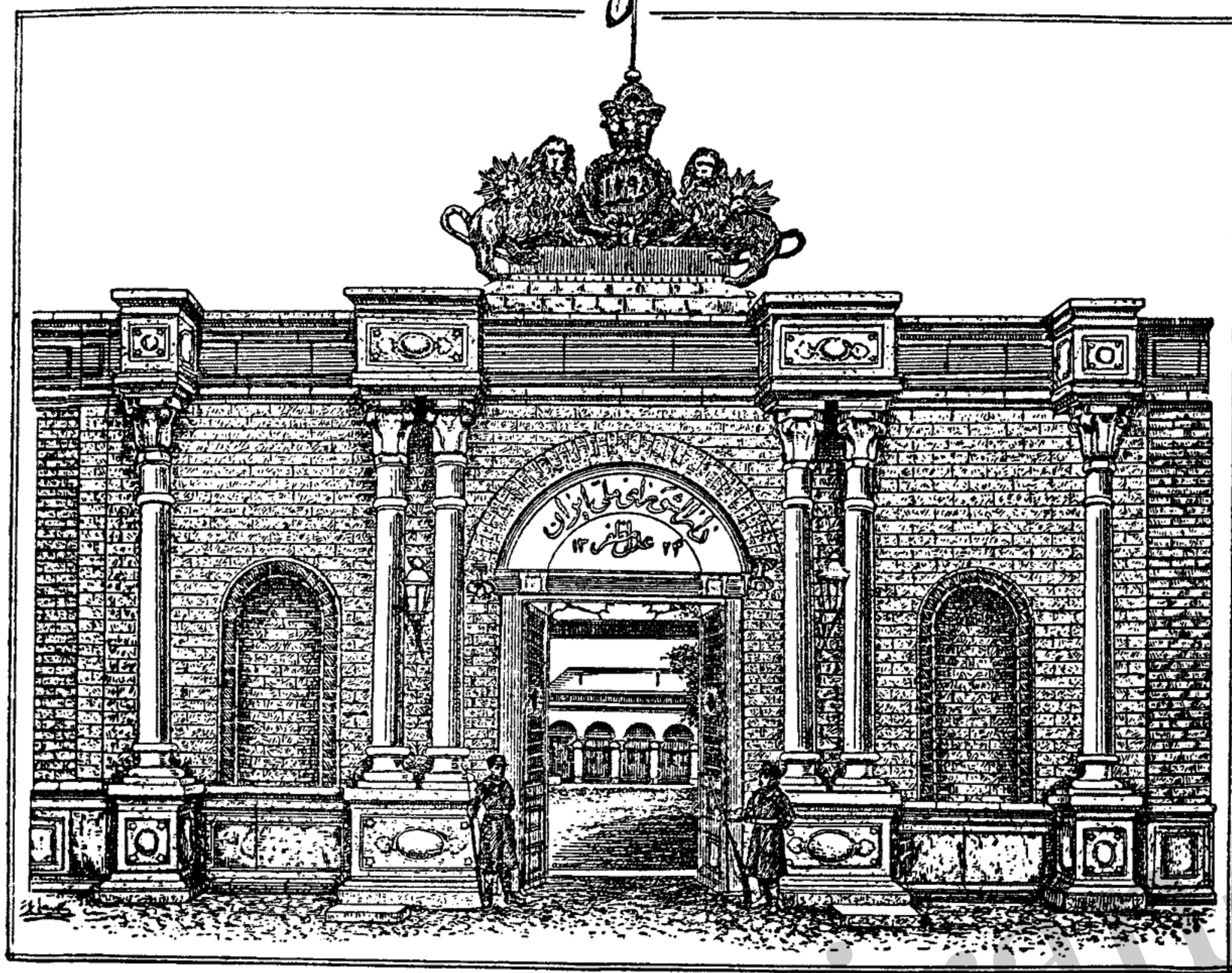
داخله ایران سالانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمه تک شماره

یک قران

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه اول اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۴

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یوم یکشنبه ۲۹ بهمن را آقای غائبان با اجازه جلسه قبل)
 آقایان : کی استوان - دشتی - بهار - بنی سلیمان
 میرزا حسنخون وثوق - محمود رضا - یحیی خان زنگنه
 غائبین : اجازه جلسه قبل
 (نگهبان قرائت نمودند)

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان : امامی - ثقة الاسلامی	۲۷۰۰	۲۷۰۱
۲	تعمیب مذاکرات نسبت بخر کمیسیون قوانین مالیه راجع بخالصجات انتقالی	۲۷۰۱	۲۷۲۱
۳	مذاکرات نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به تخصیص عواید راه آهن جلفا و کشتی رانی دریاچه ارومیه باصلاح و مرمت راه آهن	۲۷۲۲	۲۶۲۴

آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - شریعت زاده - مهدوی - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

دیر آمده با اجازه جلسه قبل

آقای صالحی لرستانی

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: حاج میرزا حبیب الله امین - قوام شیرازی جهانشاهی

رئیس - آقای مدرس

مدرس - آن بیسنهادی را که بنده کردم و راجع به مفتشین بود تقریباً آقای مخبر و سایر آقایان اظهار فرمودند که این مسئله در محل خودش مسلم است و دولت قانوناً حق تقنیه ندارد از این جهت من استرداد کردم این عبارت ضمیمه کردنش بکفوری لازم است بفرمائید اصلاح شود رئیس - اصلاح میشود. صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد.

(گفته شد خبر)

رئیس - خبر کمیسیون عرایض قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

نماینده محترم آقای امامی بشرح تقاضا نامه از ۱۵ فروردین ۱۳۰۷ تقاضای سه ماه مرخصی نموده بودند کمیسیون عرایض و مرخصی در جلسه ۲۲ بهمن مرخصی مذکور را تحت مذاکره گذارده بادوماه مرخصی ایشان موافقت نموده خبر آنرا تقدیم مجلس نمود چون مجدداً آقای دکتر رفیع خان امین نماینده محترم دو ماه مرخصی را برای معالجه آقای امامی کافی ندانستند لذا کمیسیون عرایض در جلسه ۲۹ بهمن با مرخصی سه ماهه معزیه از یازدهم فروردین ۱۳۰۷ موافقت نموده اینک خبر آن را تقدیم مجلس مقدس مینماید

رئیس - آقای خطیبی

خطیبی - بنده موافقم

رئیس - آقای امامی

امامی - آقای ثقة الاسلامی بواسطه کسالت مزاج تقریباً در چند ماه قبل تقاضای مرخصی کرده بودند که بروند برای معالجه ولی چون در آذربایجان بعضی کارهایی پیش آمد که مجبور شدند در آنجا توقف کنند و نتوانستند از مرخصی خودشان استفاده کنند و به اروپا بروند این است که مجدداً اجازه خواسته اند و بنده هم تصور میکنم که عذر موجه داشته باشند و این رد کردن کمیسیون موردی ندارد

رئیس - رای گرفته میشود بمقتضای این خبر آقایان

موافقین قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس - رد شد. رای گرفته میشود به تقاضای

خود آقای ثقة الاسلامی آقایان که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای بامداد از وزارت فواید

عامه سؤالی داشتید؟

معاون وزارت فواید عامه - برای جواب سؤال آقای

بامداد در جلسه دیگر حاضر میشوم

رئیس - پیشنهاد آقای رفیع

(بشرح آنی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که خبر کمیسیون راجع بعایدات راه آهن در درجه اول جزو دستور شود

رئیس - پیشنهاد چند نفر از آقایان نمایندگان

(اینطور قرائت شد)

پیشنهاد میکنیم که لایحه راه آهن جلفا در اول

دستور امروز باشد - ثقة الاسلامی - دیبا - لبقوانی

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض می کنم اهمیت این موضوع بر همه

آقایان معلوم است این راه آهن بواسطه اینکه اعتبار ندارد برای مخارج بکلی از کار افتاده و ابداً کار نمیکند بهر حال بنده عقیده ام این است که این موضوع جزء دستور شده و تکلیفش معین شود ولی چون آقای معاون وزارت فواید عامه خودشان شرحی به بنده نوشتند مبنی بر اینکه ایشان هم برحسب تقاضای جمعی از آقایان موافقت که این موضوع پس از لایحه خالصجات مطرح شود از این جهت بنده و سایر آقایانی هم که این پیشنهاد را کرده ایم موافقت میکنیم که پس از لایحه خالصجات باشد

رئیس - پیشنهاد هائیکه راجع بماده اول لایحه

خالصجات مطرح بود قرائت میشود

[شرح ذیل قرائت شد]

پیشنهاد آقای یاسائی - در ماده اول فقره دوم [ب]

حذف شود

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - مقصود از این پیشنهاد این بود که ممکن

است يك املاکی باشد که خالصه انتقالی باشد که مورد

اختلاف بین دولت و مردم باشد ولی ما باید او را ملك

اربابی بدانیم در جلسه گذشته بنده توضیح دادم يك

اشخاص متنفذی در دوره استبداد يك فرامین واحکامی

صادر کرده اند و املاکی را متصرف شده اند

بعهد در همان زمان استفاده خودشان را

از این املاک کرده اند تقسیم کرده اند و به اشخاصی

فروخته اند در اینکه این ملك خالصه بوده و انتقال

پیدا کرده حرفی نیست ولی امروز معاملاتی که نسبت

به این املاک میشود مثل املاک اربابی است و همان

طور خرید و فروش میشود. بالاخره چون صاحبان آن

املاک متنفذ بوده اند يك استفاده هائی توانسته اند بکنند

یعنی آمده اند و يك تخفیف مالیاتی هم گرفته اند و مالیاتش

را هم سبک کرده اند قیمت آن املاک هم مثل سایر

املاک اربابی است ولی در اینکه خالصه بوده و انتقال

پیدا کرده است حرفی نیست بنا بر این تبصره اگر حذف نشود باعث میشود که یکعده خورده مالک را دولت املاکشان را پس بگیرد و میگوید که نصف عایدی آن را باید پس بدهید در صورتیکه استفاده این املاک را آن کسانی که در درجه اول خریده اند کرده اند و بعمل خورده مالکین مربوط نیست و بعلاوه بنده تصور میکنم که این تبصره بکلی زائد است و در عمل هم کمتر دیده می شود این بود که بنده این پیشنهاد را کردم مخبر - بنده ملتفت نشدم که مقصود آقای یاسائی حذف جمله (ب) بوده است یا تبصره بعقیده بنده این تبصره لازمتر از تمام این مواد است بجهت اینکه قید شده است خالصجائیکه تا این تاریخ خالصه بودن آن مابین دولت و مردم مقطوع است

بک اشخاصی املاکی را متصرفند خودشان هم قائل هستند که این املاک خالصه دولت بوده بعد منتقل شده است اگر ما بگوئیم اینها باید از این تاریخ اربابی شناخته شوند بنده هیچ دلیلی برای این قسمت نمی بینم آقا فرمودند که بعضی املاک را اشخاصی گرفته اند و بعد دست بدست فروخته اند ما هیچ منکر مالکیت اینها نیستیم مطابق این مواد آنها مالک آن املاک هستند در مسئله مالیات که فرمودند اگر چه موضوع ماده بعد است ولی محض تذکر عرض میکنم که قید نشده که هر کس که مالک خالصه انتقالی شد باید حکماً مالیاتش بحد نصف بیاید اگر بیش از نصف است کسر میشود تا حد نصف اما اگر امروز اینها کمتر مالیات دارند در قانون همچو چیزی نیست که مالیات آنها برسد بحد نصف همان مقداری را که میداده اند خواهند داد مگر در صورتیکه امروز کمتر از مالیات املاک اربابی بدهند در این صورت بایستی اضافه شود والا صرف اینکه خالصه انتقالی است آنجا همچو قیدی نیست که مالیاتشان اضافه شود تا حد نصف بنا بر این بنده وجود این تبصره را لازم میدانم برای اینکه تک

باشد بمالکیت اشخاص و اگر بنا باشد ما این جمله را حذف کنیم ممکن است بعد ها اسباب زحمت بشود در این صورت موافقت فرمایند که این شرط در ماده بماند.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای شیروان
(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میشود بعد از جمله در تصرف دولت بوده ضمیمه شود (و بهره برداری نموده باشد)

شیروان - عرض میکنم که اغلب خالصجات که الان عنوان خالصجات انتقالی دارد و در رقبات دولت هم ثبت است املاک مردم است و غالباً املاک خورده مالکیتی است که بعضی اشخاص متنفذ آمده اند در مرکز و بک فرمان خالصه انتقالی صادر کرده اند و رفته اند در محل و آن ملک را عنفاً ضبط کرده اند بعضی از اشخاص یعنی صاحبان اولی که قدرتی داشته اند آمده اند در مرکز و با صاحبان فرمان زدو خورد هائی کرده و آن املاک را پس گرفته اند و بک چیز هائی هم داده اند و چون فرمان صادر شده و ثبت آنها هنوز هم در رقبات دولتی ما هست ما میخواهیم به بینیم آن ملکی را که دولت فروخته چه ملکی بوده و حق داشته است بفروشد یا خیر و ما الان آن فروش را داریم مشروع و قانونی میکنیم آن ملکی را که دولت در آن زراعت میکرده و بهره برداری میکرده و به اشخاص میفروخته است تنها ملکی بوده است که میتوانیم بگوئیم خالصه بوده است و بک املاکی است که مثل خالصجات فعلی در تصرف دولت بوده و اشخاصی اجاره و استیجار میکرده اند و زراعت میکرده اند بنا بر این ما نمیتوانیم غیر از این را خالصه تصور کنیم ما در مالکیت اشخاص نمیتوانیم دخالت کنیم و برای اینکه تصریح بشود بنده پیشنهاد کردم اضافه

شود که دولت در آنجا بهره برداری کرده باشد

مخبر - بک پیشنهادی هم آقای دکتر طاهری در همین زمینه کرده اند آنرا هم قرائت فرمائید
(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده اول سطر دوم بعد از کلمه متصرف لفظ مالکانه اضافه شود و باین ترتیب نوشته شود در تصرف مالکانه دولت بوده الی آخر

مخبر - بنده گمان میکنم ایندو کلمه در عمل هر دو ضرر دارد بهره برداری بیشتر مالکانه کمتر غرض آقایان از این پیشنهاد این است که وقتی مینویسیم ملک متصرفی دولت متصرف دولت بک مالک و مدرکی داشته باشد صرف تصرف اسم بردن یعنی دولت یا مالک بوده است یا معامله ملک در آنجا کرده است یا امانی عمل کرده یا اجازه داده است که مداخلات مالکانه در آن املاک شده باشد که معین باشد که در تصرف دولت بوده است و بعد داده است با اشخاص دیگری اما اگر لفظ بهره برداری را بگیریم خیلی از املاک هست که دولت موقتاً ضبط کرده است و بهره برداری کرده است و بعد بصاحباش رد کرده است یا اگر هم منتقل نکرده باشد هنوز ادعای آن اشخاص باقی است و حق دارند ملک خود را بخواهند این کلمه بهره برداری حق آنها را از بین میبرد ما اینجا برای دولت و مردم ملاکی غیر از تصرف قائل نشده ایم پس باید برای اشخاص هم ذکر کنیم که اینها هم بایستی بهره برداری کرده باشند بنا بر این اگر تصرف مالکانه تنها را قید کنیم شاید عیبی نداشته باشد اگر چه بعضی از آقایان شاید عقیده ندارند بهره حال بنده چون عبارت بهره برداری یا کلمه در تصرف مالکانه دولت را قدری دارای اشکال می بینم از این جهت نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رای میگیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد

آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای یاسائی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای ۱۲۹۰ قمری نوشته شود ۱۳۰۷ قمری

یاسائی - بنده این پیشنهاد را از نقطه نظر این تقدیم کردم که ما برای دعاوی چهل سال مرور زمان قائل شدیم حالا هم برای دعاوی مربوط بخالصجات چه از طرف دولت و چه از طرف مردم باید همان مرور زمان را قائل شد و این مرور زمانی که در اینجا نوشته شده تقریباً شانزده سال تفاوت دارد و قائل شدن به این تفاوت بعقیده بنده موردی ندارد و اینکه آقای مخبر در جلسه گذشته فرمودند که در این مدت بیشتر فرامین صادر شده و انتقالات شده بنده تصور نمیکنم که تفاوتی قائل باشیم برای اینکه در زمان کدام سلطان انتقالش درست است یا در زمان کدام سلطان درست نیست ما عجلاناً نمیتوانیم این تشخیص را بدهیم و دولت هم که مستندش رقباتش است این رقبات هم رقبه است که باسم رقبه صفوی است یا به اسم رقبه نادری است یا به اسم رقبه دوره قاجاریه یا ناصری است بالاخره ما هر چه مدت کشمکش و منازعه را کمتر قرار بدهیم گمان میکنم بصرفه مردم باشد و بنده این عقیده را ندارم مثل آقای مخبر که ما حتماً سعی بکنیم که املاک متصرفی مردم را برگردانیم این لزومی ندارد این چه فکری است ما که میگوئیم خالصجات را بفروشیم که مردم هر طوری هست بروند آباد کنند حالا اگر بک املاکی در دست اشخاصی هست و یا به ارتب به آنها رسیده است ماعدت مرور زمانش را زیاد کنیم بنده این عقیده را ندارم از اینجهت این پیشنهاد را کردم

مخبر - بنده عرض نکردم که املاک متصرفی مردم را بدولت بدهیم و هیچوقت هم این عقیده را ندارم ملکی که مال دولت است باید مال دولت باشد آنها هم که مال مردم است مال مردم و آنها هم که منتقل شده است باید انتقالش معین باشد بنده مکرر عرض کرده ام

که پنجاه و شش سال مدت مرور زمان نیست مدت مرور زمان مدتی است که در ملک يك متصرفی اختلاف واقع شود ادعائی واقع شود گفته میشود اگر در فلان مدت ادعا و منازعه نسبت به آن ملک نشده باشد مالکیت او مورد خلاف نیست اما راجع باینکه سنه ۱۳۰۷ باشد یا فلانقدر عرض میکنم فرامینی در زمان ناصرالدین شاه صادر شده است مدت پنجاه و شش سالی که در اینجا قید شده است بیست و دو سال مدت مشروطیت است تقریباً دوازده سال هم مدت مظفرالدین شاه است که میشود سی و سه یا سی و چهار سال می ماند بیست و دو سال که مطابق می شود با اواسط سلطنت ناصرالدین شاه ما مبدء انتقال را از آن وقت در نظر گرفتیم اگر چه قبل از آن تاریخ هم فرامینی هست ولی از این تاریخ بیشتر شروع شده است به انتقال ما هم از این تاریخ شروع کردیم و با شرطی که در اینجا قید شده است هیچ تفاوت نمیکند که ۱۳۰۷ بگیریم یا بیشتر از یک مقدار املاکی است که بموجب شرایطی که در این قانون ذکر شده است خالصه بودن آن مسلم است آنهایی هم که قبل از این تاریخ بوده اگر مقطوع است بین مالک و مالیه که خالصه انتقالی است دیگر جهتی ندارد که ما برگردیم بصورت اول و اگر مقطوع نیست و اختلافی دارد این شرایط برای آنها معین شده و اینکه آقای یاسائی گفتند حکما ۱۳۰۷ یا بیشتر یا کمتر باشد بنده هیچ تفاوتی نمی بینم که ما بخواهیم حکماً يك املاکی را بعنوان مختلفه بگوئیم که املاک اربانی باشد ولو اینکه خودشان هم اقرار داشته باشند بخالصه بودن املاک این چه اصراری است؟ بنا بر این بایستی ما این اصل را تصدیق کنیم و يك شرائطی تعیین کنیم که حقیقه نه بدولت ضرری خورده باشد و نه بمردم و يك تبعیضات فوق العاده هم نشده باشد رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند

درآمده برای اینکه هیچ فرقی ندارد ملک شده که فرضاً در ۱۲۹۰ قمری یا ملک حضرتعالی که در ۱۲۸۰ قمری بتصرف دولت درآمده فرق نمیکند هر دو مال دولت است در تبصره ۲ املاک را وقتی می خواهند از خالصگی انتقال بدهند بدهند به ملک اربانی يك حقیقی برای ملک معین می شود و اگر ما بخواهیم رعایت این نظر را بکنیم حق مملکت فوت میشود و بنده تصور میکنم که تعریف املاک خالصه باید اینطور باشد

خالصه انتقالی املاکی است که در تصرف دولت بوده و در دوره قاجاریه از تصرف دولت به تصرف اشخاص درآمده است آنوقت با این تعریف املاک مشمول مواد این قانون میشود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم ما در موقعی که در شور اول این لایحه در کمیسیون بودجه مذاکره بود دیدیم که اصل فروش املاک خالصه در زمان سلاطین قاجاریه بوده یعنی از ۱۲۹۰ تا بن تصرف املاک خالصه انتقال پیدا کرده . آقای یاسائی پیشنهاد میکنند که از سیصد و هفت باشد مجلس رای میدهد یعنی پنجاه و هفت سال را زیاد میدانند ما در واقع برای رعایت همین نظریه حضرتعالی که تذکر دادید حق دولت محفوظ باشد از ۱۲۹۰ قرار دادیم ولی اگر بخواهیم این پیشنهاد جنابعالی را منظور نمائیم یعنی از صدسال قبل قرار بدهیم ممکن است یک نفر بیاید بگوید این ملک از صد و پنسیج سال پیش مال من بوده است بعلاوه این گفتگو هائی که بواسطه این رقبات پیدا شده است حقیقه يك اسباب زحمت و بدبختی برای مردم فراهم کرده است و ما میخواهیم بوسیله این قانون این اشکالات که از این حیث برای مردم فراهم شده است مرتفع کنیم برای اینکه این املاک خالصه انتقالی يك مقداریش از ۱۳۰۶ بوده که در زمان ناصرالدین شاه میشود با اوایل سلطنت مظفرالدین شاه که ۱۳۱۴ باشد

و بیشتر این املاک از سنه ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵ انتقال پیدا کرده است بر طبق رقبات و دفاتری که هست . بنا بر این این تصویری که حضرتعالی فرمودید مورد پیدا نمیکند و نگرانی هم برای حضرتعالی نباشد زیرا حق دولت کاملاً در اینجا محفوظ شده بعلاوه ما می بینیم که يك ملک در ۱۲۸۰ بعنوان خالصه انتقالی در تصرف يك کسی بوده اگر صورت مالیات آن زمین را پیدا کنند و همین مالیات اربانی را بدهد چه ضرری دارد اغلب املاکی که قبل از ۱۲۹۰ در تصرف اشخاص داده اند مالیات خالصه گئی آن از مالیات اربانی که قانونش از مجلس گذشته کمتر است و اغلب مال اشخاص متنفذ بوده که مالیات جنسی را نقدی کرده اند و نقدیشان را هم اگر نگاه کنیم کمتر است و این را که بنده عرض می کنم با مراجعه به رقبات و جزو جمع و دفتر است و ما خواسته ایم صرفه دولت را در نظر بگیریم و ملاحظه میفرمائید در آن قسمت اخیری که در لایحه است ذکر شده که هر يك از املاک خالصه انتقالی که مالیاتشان از صدسه و نیم کمتر باشد دولت میتواند مالیات آنها را بمقدار صد و سه و نیم ترقی بدهد بنده بکسب اطلاع دارم که بر علیه همان اشخاصی است که قبلاً دارند و حتی از ۱۲۹۰ انتقال پیدا کرده است این است که بعقیده بنده پیشنهاد جنابعالی مورد ندارد

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای ضیاء را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

خطیبی بقیه پیشنهاد ها ارجاع شود بکمیسیون

رئیس - چه فرمودید؟

خطیبی - عرض کردم چون دو فقره از پیشنهادها قابل توجه شد اگر آقایان موافقت فرمایند بقیه پیشنهادها ارجاع شود بکمیسیون خود آقایان هم تشریف بیاورند

و در آنجا توضیحات بدهند تا تکلیفش معلوم شود رئیس - در هر حال باید تکلیف کمیسیون معلوم شود دادگر - بنده مخالفم با این که پیشنهادها بر گردد بکمیسیون دلیل هم دارم

رئیس - پیشنهاد آقای افشار

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده ماده ۱ را بطریق ذیل اصلاح میکنم.

ماده ۱ - خلاصه انتقالی املاکی است که از ۱۳۰۶ قمری باین طرف در تصرف دولت بوده و بعد بموجب فرمان به اشخاص انتقال داده شده است املاک مزبور در صورت داشتن یکی از شرایط ذیل ملک مالکین خصوصی شناخته شده و از حیث مالیات تابع مقررات این قانون خواهد بود

(۱) خالصجانی که بموجب فرمان انتقال شده است

(۲) خالصجانی که تا این تاریخ سی سال در تصرف اشخاص بوده و با اینکه فرامینی از آن تاریخ در دست دارند الی آخر

رئیس - آقای افشار

افشار - بنظر بنده این قانون بطوری که با منافع يك عده خیلی کمی تطبیق میشود با منافع عمومی تطبیق نمیشود نظر مجلس شورای ملی در این قبیل قضایا که اغلب تولید جنجال و زحمت بین مردم و دولت میکنند این است که حتی الامکان این قبیل قوانین سهلتر نوشته شود که بالاخره مردم بتوانند از آن استفاده کنند و از این کشمکش و فشار راحت شوند متأسفانه بنده توانستم در قسمت شور در کلیات عرایض خودم راعرض کنم این است که عرایض را در این ماده عرض میکنم بطوری که آقای یاسائی نمایندة محترم هم توضیحات دادند در قسمت اسناد رسمی مینویسد: خالصجانی که متصرفین آن اسناد رسمی دفتری شده باشند اشخاصی که فرامین در دست دارند اولاً فرامین مختلف و متنوع بوده

مینویسد: (خالصجانی که قبل از ۱۲۹۰ قمری بتصرف اشخاص در آمده است در صورتیکه مشمول قسمت (ب) نشود ملک اربابی شناخته شده و از حیث مالیات تابع مقررات قانون املاک ارباب خواهند بود)

در قسمت (ب) مینویسد: (خالصجانی که تا تاریخ اول بهمن ۱۳۰۶ شمسی انتقالی بودن آن مورد تصدیق دولت و مالک واقع شده باشد) بناء علیه مطابق این سند چون تبصره ۲ عطف به قسمت (ب) میشود تبصره ۲ نکلی بی مورد است و استفاده ازش نمیشود کرد دیگر اینکه بنظر بنده عدم اجرا دلیل بطلان حق نمیشود ممکن است ما اغلب قوانینی وضع کرده باشیم که از طرف دولت اجرا نشده یا نمیشود. عدم اجرای يك قانونی دلیل بطلان قانون نمیشود. بنا بر این بعقیده بنده عدم اجرای يك فرمانی دلیل بطلان آن نمیشود مخبر - آقای افشار در ضمن مساعدت و موافقت با مالکین و متصرفین ایجاد يك زحمت فوق العاده بر ایشان دارند میکنند برای اینکه اصل پیشنهادشان این است که میگوید خالصجات انتقالی املاکی است که بموجب فرمان داده شده بعد هم میفرمایند شرط اول این است که خالصجات انتقالی باید فرمان داشته باشد یعنی قبل از همه چیز بگویند فرامیندن را بیاورید در صورتیکه غرض از وضع این قانون بود که تکلیف آبهائی که فرامین و مدارک رسمی ندارند معلوم شود ما در این جا تصرف را ملاک قرار داده ایم نه فرمان را و اینهم چندین علت دارد يك علتش همین است که يك عده زیادی هستند که فرمان ندارند ملک را منتقل کرده اند و فروخته اند به چند نفر و معلوم نیست که فرمان را به کی داده اند ولیکن خالصه است و دولت هم قبول دارد و مالیاتش را هم میدهند یا اگر اختلافی دارد مالک و انتقال او معین است و قبول کرده اند آن وقت تازه ما بیسائیم و شرط قانونی قرار بدهیم که خالصه انتقالی املاکی است

که بموجب فرمان داده شده؟! پس هر کس فرمان ندارد باید ملکش را واگذار کند. این يك جهة نبودن فرمان است. اما جهة بودن فرمان هماهنگی است که خودتان فرمودید فرامینی است که معمول و مجری نشده یعنی ملکی که انتقال داده شده هنوز بتصرف اشخاص در نیامده ولی مالکیت آن اشخاص بموجب آن فرمان محرز است و نمیشود ملک را بکسی داد زیرا مکرر عرض کرده ام فرامین جعلی خیلی در دست مردم است که تا امروز هم معمول نشده يك مدتی که حکومت نزاری روس بود خود بنده در وزارت خارجه مواجه شدم با این گرفتاریها و آن قوای سیاسی روس که آنوقت بکار میرفت برای اجرای این قبیل فرامین و همینطور در وزارت عمالیه هم که بودم مواجه با این فرامین بودم که مهر شاه و صدراعظم و مستوفی و اینها بود اما دفتری شده نبود جعلی بودن آنرا ثابت کرده ایم و تا امروز ثابت شده دولت اگر فرمان داده است و ملک را هم منتقل کرده است بيك اشخاص ذي نفوذ و ذي قدرت چه شده است که ملک را بتصرف آنها نداده است؟! حالا ما بیائیم امروز بگوئیم فرامینی که در صد سال قبل جعلی بودن آنرا ثابت کرده اند یا باطل کرده اند امروز سند بدهیم که ملک را بتصرف آنها بدهند؟! ماهیچو چیزی در نظر نداریم و گمان نمیکنم مجلس قبول کند ما امروز ملاکان تصرف است و میخواهیم حق مالکیت متصرفین را ثابت کنیم که به آنهاست که متصرفند نگویند فرمان نشان بدهید. اگر کسی متصرف نیست فرمان هم داشته باشد ملکی باو داده نمیشود

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای افشار را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم تبصره ۲ این نوع اصلاح شود

آقا سید یعقوب - بنده این پیشنهاد را استرداد میکنم
بکمیاده پیشنهاد کرده ام آنرا بخوانند
پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم بعنوان تبصره ۳ نوشته شود: املاک
غیر مزروعی که سابق در تصرف دولت بوده و در این
تاریخ بعنوان ملك در تصرف اشخاص است در صورتی
که مشمول یکی از شرایط چهار گانه مذکوره در ماده
باشد اربابی شناخته میشود.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - این موادی که تنظیم شده است موضوعش
املاک مزروعی است. خالصجات مزروعی که ملك
باشد و حال آنکه آقایان که مسافرت کرده اند و اطلاعات
پیدا کرده اند میدانند که يك چیز هائی در مملکت
هست که دخلي بملك مزروعی ندارد کاروانسرا خرابه
قراولخانه خرابه و از این قبیل چیزها خیلی در شهر

و خارج هست و اینها بواسطه انتسابی که با دولت دارد
هیچ کس جرئت نمی کند يك قدمی در او
بگذارد یا يك تعمیری در آن نکند یا بالاخره
يك کاری بکنند خدا نکند يك امین مالیه
یا رئیس اوقافی پیدا کند که دیگر آنجا گفتگوها میشود

اگر کسی بخواهد برود در خرابه منزل کند یا مثلاً
يك قهوه خانه درست کند فوراً او میگوید مال دولت
است لهذا بنده این پیشنهاد را کردم که آقایان خوبست
در این مجلس تکلیف این قبیل اموال را که دولت در
در این مملکت دارد معین کنند حالا بنده يك نظر

خصوصی ندارم که این قسم باشد یا آن قسم ولیکن يك
اموال و املاک بتری است مال دولت که محل انتفاع
نیست يك قسمی بفرمائید که اینها محل انتفاع مردم
واقع شود. ملاحظه بفرمائید سفر کرده اید دیده اید
هر دولتی که آمده تأسیساتی کرده قراولخانهها کاروان

سراها، چاپارخانهها و همه در این اوضاعی که تبدیل
شده است ازین رفته است من عقیده ام این است که
گفته شود هر کدام از اینها را هر کس تصرف کرده

است (چون عایدی ندارد اگر عایدی داشت امناء مالیه
و مأمورین مالیه خیلی زرنگتر از آنها هستند) آنها اربابی
شناخته بشود تا مردم بتوانند با کمال اطمینان تعمیر کنند
و ازش انتفاع ببرند حالا اگر آقای مخبر خیلی اوقاتشان
تلخ میشود که مفتی بکسی چیزی بدهند خوبست قبول
بفرمایند این پیشنهاد من بکمسیون برود و در اطرافش
يك تأملاتی بکنند. من چون خیلی مسافرت کرده ام
میدانم که چقدر اموالی است که مردم ممکن است از
آنها انتفاع کنند. همین در رشت این محلی که از برای
نواقل درست کرده اند دو سه سال پیش از این که
رفتیم محل هائی است که از برای نواقل ساخته بودند
البته حالا که نواقل از بین رفت آنها باز و بی صاحب
می افتد و خراب میشود اگر آقای مخبر قبول بفرمایند
این پیشنهاد برود بکمسیون و در اطرافش تأمل بشود
تا يك قراری بدهند

مخبر - این پیشنهاد همانطور که فرمودند خیلی اساسی
و صحیح است اما اینکه حالا در این ماده یا در ماده
دیگر و چطور باید تنظیم شود يك قدری وقت میخواهد
این است که استدعا می کنم آقای رئیس مقرر فرمایند
بباید بکمسیون تا تنظیم شود

رئیس - پیشنهاد آقای حقنویس

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده اول جمله (از ۱۲۹۰ قمری
باین طرف) حذف شود و در تبصره دوم بجای (قبل از
۱۲۹۰ قمری) نوشته شود تا تصویب این قانون چهل سال
رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - يك قسمت از این پیشنهاد بنده تقریباً قابل توجه
شده یعنی آقای یسائی پیشنهاد کردند و قابل توجه شد
و يك قسمتش این است که عرض میکنم يك وقت است
که ملكی از طرف دولت به متصرفین داده شده و
متصرف هم قبول داشته باشد که از طرف دولت باو
یا باسلاف او منتقل شده يك موضوع دیگری است
که مدت انتقال چقدر باشد و از کی این

ملك از طرف دولت بمتصرف باسلافش منتقل شده يك
مسئله هم موضوع موقعیت متصرف است. در این باب هم
بنده بعنوان تبصره يك پیشنهادی کرده ام اما مسئله اینکه از طرف
دولت انتقال داده شده باشد. اگر متصرف قبول نداشته باشد
تاریخ انتقال از طرف دولت را مطابق آن پیشنهادی که
قابل توجه شد البته اگر مبدء دعوی دولت قبل از
چهل سال باشد و چهل سال مرور زمان بر آن گذشته
باشد این دعوی بآلبداهه قبول نمیشود. يك وقت هست
که موضوع مدت انتقال است یعنی دولت و متصرف هر دو
موافقتند که این خالصه انتقالی است و این بالطبع هم
حالا معامله خالصه انتقالی با او میشود و منال خالصه
انتقالی از او اخذ میشود در همچو جائی من نمی فهمم
مدت و مبدء برای انتقال قرار دادن چه نتیجه دارد؟
بجهت اینکه متصرف معترف است باینکه از دولت باو
منتقل شده و حالا هم منال خالصه انتقالی از او میگیرند
آن وقت ما بیائیم يك قسمتی را کوتاه کنیم و بگوئیم
آنهايي که از فلان زمان انتقال شده اند از آثار
انتقالی معاف باشند این فلسفه را بنده نمی دانم
چطور است؟ يك مسئله هم راجع بموقعیت اشخاص
است این قسمت هارا چون بعضیها پیشنهاد کرده اند بعد
عرض میکنم. راجع بقسمت چهل سالش را که عرض
کردم قابل توجه شد. راجع بقسمت تطبیق با انتقالش
هم فلسفه ندارد اگر موافق نباشند مشمول مرور زمان است
رئیس - آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه می
دانند قیام فرمایند

(عده مختصری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مفتی

(بترتیب ذیل خوانده شد)

در تبصره ۲ پیشنهاد میکنم بجای عبارت در صورتی
که مشمول قسمت (ب) نشود نوشته شود در صورتیکه
انتقال بودن آن مورد تصدیق مالک واقع نشده باشد

رئیس - آقای مفتی

مفتی - در قسمت (ب) نوشته است (ب) باشد نوشته شود در صورتیکه
مورد تصدیق مالک واقع شده باشد ولی چون اصلاً بنده
این تبصره را مضر میدانم لهذا با آن آقایان که پیشنهاد
حذف تبصره را کرده اند موافقت میکنم و آن پیشنهاد
خودم را استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای معظمی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

در ماده اول پیشنهاد میکنم در صورتیکه مشمول قسمت
(ب) نشود حذف شود

معظمی - بنده هم با آن پیشنهاد حذف موافقت
می کنم

رئیس - مسترد میکنید؟

معظمی - عرض کنم آقایان پیشنهاد کرده اند که
تبصره حذف شود اگر آن تبصره رسیده است بنده
هم با آن موافقت میکنم و الا توضیح عرض بکنم

رئیس - رسیده است در موقعش قرائت میشود.

پیشنهاد آقای موقر

(بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بعنوان تبصره ۴
بماده سه اضافه شود.

بعضی از نمایندگان - این راجع بماده سوم است

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بترتیب ذیل قرائت شد)

ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم
کلیه املاکی که تا اول سال ۳۰۰ قمری هجری
در تصرف اشخاص متفرقه بوده ملك اربابی متصرفین

شناخته و تابع مقررات قانون املاک اربابی خواهد بود خواه در رقبات دولتی اسمی از آنها باشد یا نباشد و آنچه از املاک دولتی که در رقبات اسم از آنها هست و از اول ۱۳۰۰ قمری بتصرف اشخاص در آمده است بیکی از شرایط سه گانه ذیل خالصه انتقالی و تابع مقررات این قانون بوده

اول - املاکی که در دفاتر رسمی دولتی محل تصدیق واقع شده باشد

دوم - املاکی که سی سال متناوب تا تاریخ تصویب این قانون در تصرف اشخاص در آمده باشد

سوم - املاکی که بیست سال متوالی تا تاریخ تصویب این قانون بتصرف اشخاص آمده باشد

تبصره - املاکی که قبل از ۱۳۰۰ قمری در تصرف اشخاص آمده و محل تصدیق دولت و متصرف واقع شده است بعنوان خالصه انتقالی شناخته خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای مخبر این قدر بی اعتنا به عرایض نباشید این نظری که جناب عالی داشتید من تبصره کرده ام آن وقت بخیر آن که بنده عم جزو خواندم گوش بدهید و متوجه باشید به چیزی که مبتلا به مردم است اصلاح کنید آقایان هم توجه فرمایند ما قانون را باید بقدری سهل و ساده بنویسیم که بدست هر کس بدهند بفهمند نه اینکه مغلق و پیچ در پیچ بنویسیم که فهم آن منحصر باشد باعضاء مالیه. يك نظری آقای مخبر فرموده بودند من آن نظرا در این ماده گنجانیدم که بطور سهل و ساده باشد که اگر دو مرتبه بخوانند آقایان کاملاً ملتفت میشوند. عرض میکنم این املاکی که بعنوان خالصه انتقالی زنجیری از آهن به گردن مردم افتاده و وزارت مالیه و عمال مالیه متصل این زنجیر را بجرکت میاورند ترتیبش این جور باشد این املاک املاکی است که صحبت میکند که از زمان صفویه و نادر شاه و زندیه تا

تا بگویند معنایش چه چیز است. آقا وکیل این ملت هستیم و باید از زبان اینها صحبت کنیم بنده عبارت را معتقدم صاف باید نوشت بنویسیم املاکی که بتصرف مردم هست اگر از ۱۳۰۰ قمری (حالا چون پیشنهاد آقای یاسائی قبول شد من اورا میگیرم) اگر از ۱۳۰۷ قمری بتصرف مردم در آمده باشد خواه در رقبات دولت اسمی از او باشد خواه نباشد مال مردم است و این ملك باید بکلی اسمش از رقبه زده شود و تابع مقررات املاک اربابان است اما اگر از ۱۳۰۰ قمری بعد باشد بعنوان خالصه انتقالی شناخته میشود و تابع مقررات این قانون خواهد بود سه شرط. شرط اول این است که در دفاتر رسمی دولتی محل تصدیق واقع بشود شرط دوم اینکه سی سال متناوب از ۱۳۰۶ قمری (ولو چهار قسمت شود این چهار سال) در دست اشخاص آمده باشد این هم ناز خالصه انتقالی و تابع مقررات این قانون است یا اینکه بیست سال متوالی تا تاریخ تصویب این قانون در دست مردم بوده است و خود آقایان تصدیق میکنند که این بیست سالی که ما روجه يك امنیتی میرویم، رو بيك ترتیب منظمی میرویم هر روز ادارات دولتی برای مردم اشکال تراشی میکرده اند اگر ملكی بیست سال در این سنوات اخیر در دست مردم بوده خیلی محکم بوده است برای اینکه امنای مالیه باندی مصلحتی بازی برایش در میآوردند. بقا بر این عقیده ام این است که آقای مخبر همینجور که پیشنهاد های دیگر قبول شده است آن را هم قبول کنند برود در کمیسیون يك ماده سهل و ساده نوشته شود. تبصره هم همینجور پیشنهاد کرده ام که اگر يك محل مورد اتفاق باشد مابین متصرف و دولت که این خالصه انتقالی است بنده عرض میکنم که باید خالصه انتقالی باشد. از این جهت بنده پیشنهاد کردم واستدعا میکنم که محل رأی قرار ندهید برود در کمیسیون و یکبار سهل و آسانی نوشته شود که مردم در فهم عبارت

دچار اشکال نشوند

مخبر - چون آقای آقا سید یعقوب باحسن نیت این ماده را تنظیم کرده اند برای اینکه عبارتی که ممکن است در آتیه تولید اشکال کند در آنجا اصلاح شود ماده را مقرر فرمائید بیاید بکمیسیون

(پیشنهاد آقای مدرس بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در تبصره ۲ بجای لفظ (در صورتیکه) نوشته شود (ولو اینکه) (الی آخر)

مدرس - غرضم این است تبصره بعقیده بنده باید حذف شود محل برای این کار باقی نماند ولی اگر باشد (ولو)

رئیس - پیشنهاد آقای امامی

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره دوم ماده اول حذف شود

رئیس - آقای امامی

امامی - عرض کنم در شور اول این لایحه چون رأی اکثریت مجلس تقریباً روشن شد بر اینکه همه معتقدند که برای خالصه انتقالی بودن املاکی که در تصرف مردم است باید يك مبدئی قائل شد این است که کمیسیون محترم قوانین محترم مالیه در ماده اول يك مبدئی برای آن قائل شده است که آن عبارت از ۱۲۹۰ قمری باشد در صورتیکه الان در مجلس اکثریت رأی به پیشنهاد آقای یاسائی دادند و مبدء را در حقیقت ۱۳۰۷ قرار دادند بنده حالا کاری بآن ندارم ولی تصور میکنم که این تبصره دوم که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده است بکلی این منظور مجلس را از بین میبرد برای اینکه بنده از ولایات دیگر خبر ندارم ولی از آذربایجان که خودم يك مدتی متصدی مالیه آنجا بودم اطلاع کامل دارم این است که يك مقدار املاکی که در دفتر رقبات دولت ضبط است و آنها را خالصه صفوی و نادری وقاجاربه اسم گذاشته اند و بلکه قبل از صفویه هم يك مقدار املاکی در رقبات دولتی هست دولتی هست که آنها را جزء خالصات انتقالی قرار داده است و از چندین سال

باینطرف اساساً با اینها معامله خاصه انتقالی شده است بعد از آنکه مجلس این تبصره را تصویب کرد و بدست دولت داد آنوقت تمام این معامله که با مردم کرده است این معامله که با مردم کرده است این در حقیقت مأخذ اعتراف و رضایت مردم قرار خواهد داد بموجب قسمت ب این ماده اول که در اینجا میگوید و تصدیق مالک و دولت واقع شده باشد و تمام املاک خاصه انتقالی که از زمان صفویه و نادری و قاجاریه باینطرف کلیه با آنها معامله خاصه انتقالی شده است آنها را داخل این قانون خواهد کرد از این جهت بنده حذف این تبصره را پیشنهاد کرده ام برای اینکه خاصه بودن این املاک يك مبده و انتهای قائل شده باشیم

مخبر - حذف این تبصره بکلی این قانون را لغو میکند و چیزی باقی نمیگذارد مایک مبدئی برای تاریخ قبول میکنیم حالا با ۳۰۷ یا ۲۹۰ بالاخره در کمیسیون معلوم میشود ولی قبل از این تاریخ هم باید تکلیف معلوم باشد اگر بنا شود ما تاریخ مبده را بیاوریم جلو تبصره را هم حذف کنیم با آنوقت هر چه هست اربابی خواهد شد چنانکه يك قانون استخدای نوشته شد و يك ماده گذاشته که هر کس قبل از اجرای این قانون قبل از حل ۱۳۰۲ داخل خدمت بوده و پنجسال یا هشتسال سابقه خدمت داشته باشد منتظر خدمت است تمام افراد این مملکت بالاخره ممکن است منتظر خدمت شوند يك مدرکي از يك جائی که يك روزی با يك شخصی حرف میزد که او مستخدم دولت بوده بدست میآورد و بخواهم اگر ما يك همچو کاری نکنیم هزار مدرک درست میشود که قبل از این تاریخ منتقل شده بخصوص که مبده را هم بیاوریم جلو بنده عرض میکنم اگر امروز ما بین يك اشخاصی با دولت محرز است که این ملک خاصه است قبول دارد که خاصه است و مالیاتش را هم میدهم دیگر چرا ما شك بیندازیم و بگوئیم باید برگردد بصورت اول و اگر دولت بخواهد با مالکین مساعدت کند بنده عرض میکنم برگردیم ببینیم مالکین اولیه که دولت ملک آنها را ضبط کرده با گرفته با

هر بلایي بسرش آورده آنها کیدها هستند ورثه آنها را پیدا کنند و با آنها مساعدت کنند چرا با اشخاصی که این املاک را بدست آورده اند مساعدت کنند؟ و اگر نباید مساعدت شود در اینصورت پیشنهاد حضرتعالی قبول شود و با آنها معامله اربابی بخواهند بکنند دلیلی ندارد و تصور میکنم حذف تبصره بيمورد است

رئیس - آقاییکه پیشنهاد آقای امامی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای شیروانی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم .
تبصره - کسانی که اراضی بایره را دائر و آباد نمایند تا پنجسال از اداء مالیات معاف و بعد از پنجسال فقط مالیات املاک اربابی از آنها دریافت خواهد شد .
مخبر - اجازه میفرمائید این تقریباً در زمینه پیشنهاد آقای مدرس است ضمیمه همان پیشنهاد بیاید بکمیسیون

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده اول سطر دو بعد از کلمه متصرف لفظ مالکانه اضافه شود و باین ترتیب نوشته شود در تصرف مالکانه دولت بوده الی آخر

رئیس - این پیشنهاد که میرود بکمیسیون؟

مخبر - بلی

(پیشنهاد دیگر آقای دکتر طاهری بنحو ذیل خوانده شد)

تبصره دورا بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم

تبصره - خالصجات که قبل از ۱۲۹۰ قمری بتصرف اشخاص درآمده است ملک اربابی شناخته شده و از حیث مالیات تابع مقررات قانونی املاک اربابی خواهند بود .

دکتر طاهری - خالصجاتی که منتقل شده

(بشرح آن قرائت شد)

ماده دوم - در مورد اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین در حدود ماده اولی رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد شد باین ترتیب که بکنفر حکم از طرف وزارت مالیه و بکنفر حکم از طرف متصرف و يك حکم مشترك بتراضی طرفین معین و تصمیم این هیئت با کثرت برای طرفین قاطع و غیر قابل اعتراض خواهد بود . در صورت عدم تراضی نسبت بحکم ناک حکمین اولی چهار نفر را معین نموده و یکی از این ۴ نفر بحکم قرعه حکم ناک معین میشود

وزارت مالیه مکلف است در ظرف دو سال از تاریخ تصویب این قانون موارد اختلاف را کتباً بمتصرفین اخطار نموده و رسید دریافت دارد هرگاه متصرفین در ایران باشند از روز اخطار در ظرف ششماه و اگر در خارج ایران باشند در ظرف یکسال باید خود یا وکیلشان در وزارت مالیه یا در مرکز حوزه ابالت یا ولایتی که ملک در آنجا واقع است و یا مالک در آنجا اقامت دارد حاضر شده و قرار حکمیت را بدهند و هرگاه متصرفین در مدت مزبوره حکم خود را معین نمودند حق اعتراضات ساقط خواهد بود و همچنین اگر وزارت مالیه در ظرف مدت مذکوره فوق اعتراض خود را بطرف اخطار نمود و یا در مدت مقرر حکم خود را تعیین نکرد اعتراض ساقط خواهد بود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای مخبر که اینجا نیستند يك موضوعی است در اینجا بنده با این ماده اساساً موافقم لیکن يك مسئله را خواستم بعرض مجلس برسانم که عقیده من در باب حکمیت بچه ترتیب است چون يك اصلی را در کمیسیون قوانین مالیه اتخاذ کرده اند و این يك اصل بسیار خوبی است و بنده هم می بینم که دنیا رو باین اصل میرود که قطع تنازع و تخالف بحکمیت شود و این حکمیت باید يك ترتیبی شود که اجباری شود که يك قدری تنازع و تخالف از بین برود در اینجا

باشخاص اینجا در دو تاریخ معین شده یکی اینکه از تاریخ ۱۲۹۰ قمری باینطرف در تصرف دولت بوده و بعد بتصرف اشخاص درآمده و یکی خالصجاتی که تاریخ اول بهمن ۱۳۰۶ شمسی انتقالی بودن آن مورد تصدیق دولت و مالک واقع شده باشد . این قانون هم تعیین تکلیف خالصجات است . خالصجاتیکه قبل از این مدت انتقال شد باید مشمول مرور زمان شده باشد و ملک اربابی شناخته شده باشد و این قیدی که در اینجا شده باشد و این قیدی که در اینجا شده بکلی تبصره را بی نتیجه میکند و در هر موقعی اسباب اختلاف میشود بر فرض هم قدری مردم کمک شود و چند فقره ملک اربابی شناخته شود مصلحت در این هست که کلیه املاکی که قبل از این تاریخ خاصه بوده و بتصرف اشخاص بوده است اربابی شناخته شود . از این جهت بنده پیشنهاد کردم جمله (در صورتیکه مسؤل قسمت ب نشود) حذف شود و کلیه املاکی که قبل از تاریخ ۱۲۹۰ در تصرف دولت بوده و باشخاص منتقل شده ملک اربابی شناخته شود .

مخبر - پیشنهاد آقای دکتر طاهری همان نظری بود آقای امامی پیشنهاد کردند و رد شد که آنهاست که قبل از ۱۲۹۰ بوده است اربابی شناخته شود و مخصوصاً حالا که ۱۲۹۰ را جلو آورده اند بطریق اولی نمیشود قبول کرد . استدعا میکنم چون عمده مسائل در مجلس تکلیفش معین شوه و باقی پیشنهادات در زمینه پیشنهاد های گذشته است مقرر بفرمائید با ماده بکمیسیون ارجاع شود

بعضی از نمایندگان - تنفس

رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت برباست آقای بیات نایب رئیس مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - ماده دوم

توجه بفرمائید سه قسم تصور دارد يك قسم این است که دولت میگوید تصرف تو در این ملک عنوان خالصه انتقالی است و این شخص میگوید خیر خالصه انتقالی نیست و اینکه شما اظهار میکنید چون در رقبه هست ابدأ چنین نیست و من مالک هستم. این يك قسم. يك قسم هم این است که متصرف نسبت بماده اولی میگوید این بیست سال متوالی در دست من است پس باید در تحت مقررات این قانون باشد دولت منکر بیست سال متوالی است يك قسم این است که نسبت بسی سال متناوب و با نسبت برور زمان اختلاف دارند. این اقسامی که محل اختلاف میشود مابین متصرف و دولت بنده خواستم عرض کنم که آقای مخبر قبول کنند که ارجاع حکمیت بطور الزامی باشد یعنی دولت میگوید مطابق این ماده من رجوع به حکمیت میکنم متصرف میگوید رجوع بعدلیه میکنم قانون اساسی به من حق داده است و میگوید مرجع نظلمات عدلیه است. بنده خواستم يك جوروی واقع شود که در آن ماده قطع تنازع بطور الزامی بحکمیت باشد یعنی طرف دیگر نگوید من بموجب قانون اساسی و قوانین ملکیتی رجوع بمرجع دیگر می کنم که آن مرجع عمومی باشد حالا در هر جای از این قانون که آقای مخبر قبول کنند که رجوع کردن به حکمیت الزامی باشد بنده موافقم ولی نظر من این است که این معنی در اینجا نامین شود

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بعضی از آقایان رفقا در خارج هم مذاکره میکردند عقیده شان اینست که اصلاً این ماده حکمیت خوب نیست و باید مثل سایر دعاوی رجوع بعدلیه شود آقای آقا سید یعقوب در اینجا میفرمایند که این حکمیت باین سادگی خوب نیست و بایستی الزامی شود و دولت هم يك همچو لایحه را راجع بحکمیت کلیه دعاوی در نظر گرفته است و شاید از کمیسیون تقدیم مجلس شود ولی بنده با خود این ماده موافقم. اساساً

کنند ولی حالا باید مردم را مرفه گذاشت و نبایستی باجبار قائل شد

نایب رئیس - آقای افشار

افشار - بنده عرضی ندارم

جمعی از نمایندگان - کافی است

نایب رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم در آخر ماده دوم اضافه شود

و هرگاه شخص ثالث معترض باشد در موضوع دعوی

نسبت بدولت یا متصرف بعدلیه رجوع خواهد شد

نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض میشود در این ماده همینجور که فرمودند متعرض شده اختلاف دولتها بامتصرف این البته حکمیت است ولیکن اگر شخص ثالثی آمد و اعتراض کرد يك دفعه اصلاً میگوید که این خالصه نبوده است که شما فروخته اید يك دفعه میگوید اگر خالصه بوده است بمن بایبدر من فروخته اید و شما دست انداخته اید روش یکی از این دودعوی را اگر شخص ثالث کرد برطبق قوانین جاریه بعدلیه رجوع شود

نایب رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای مخبر نظرشانرا میخواهند بفرمایند

مخبر - عرض میشود این پیشنهاد آقای مدرس خیلی

اسباب اشکال میشود به جهت این که این شخص ثالث

اگر مدعی است به عنوان این که دولت باو منتقل

کرده بوده آن موضوع دیگری است ولی اگر يك ادعائی

بکند که اصلاً چرا دولت متصرف است این ادعا

موجب این میشود که امروز تمام مردم ادعاهائی بکنند

و بخصوص بعد از گذشتن قانون مرور زمان دیگر باز کردن

این قبیل راهها برای دعاوی مختلفه اسباب زحمت است

این است که بنده تصور میکنم در اینجا باید مسکوت

گذاشت. ماده اول که اصلاح میشود در آنجا يك شرایطی قرار داده میشود که بجهت طریق اگر اختلافی فیما بین دولت و متصرف واقع شد آنرا باید بحکمیت رجوع کنند پس از آنکه شرایط ماده اول معین شد اگر چیزی بنظر نان رسیده در آنجا قید بفرمائید و اگر جزو آن شرایط ذکر آن ممکن نشد باید علیحده ماده الحاقیه اضافه کرد ولی این قید بنظر بنده در این جا بیورد است

مدرس - پس حالا برود بکمیسیون اگر نظری دارند بنده حرفی ندارم

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای مدرس

مدرس - بنده عقیده ام بر این است که کسی ادعائی دارد ما ادعاش را نپذیریم این چیز عجیبی است

نایب رئیس - راجع باسترداد فرمایشی دارید بفرمائید

مدرس - خوب حالا استرداد میکنم در آخر قانون

نایب رئیس - پیشنهاد آقای عمادی

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲ بترتیب ذیل نوشته شود

ماده ۲ - در مورد اختلاف حاصله بین دولت و

متصرفین در حدود ماده اولی رفع اختلاف مثل سایر

دعاوی رجوع بمقام قضائی مملکت شود

عمادی - در اینکه یکی از لوازم مهمه که مجلس

آمده همین لایحه است که مدتهاست مردم آرزوی این

لایحه را داشتند برای اینکه اکثر ملت و مملکت دچار

زحمت بودند نسبت بخالصجات انتقالی در ماده اول خالصجات

انتقالی که طرفین معتقد باین هستند که آن خالصه است

آن قراردادها و شرایطی که در آنجا مندرج شده کاملاً

بنده موافقم ولی نسبت بموردی که متصرف هیچ ابدأ

اقرار بخالصیت ندارد و دولت اظهار میدارد و دعوی می

کند که این خالصه است جهت اینکه ما نسبت باو در

مقابل قانون اساسی که امورات دعاوی منحصر است ارجاعش بمحل و مرجع قضائی جهت تفکیک برای چیست دولت مثل سایر مدعیها برود بمرجع قضائی. آمدید در زمینه فقط اظهار داشتید که حکم اسباب سرعت گذشتن است راست است از نقطه نظر سرعت گذشتن اینطور است لکن در عین حال بعضی از موارد بلکه اکثرش دچار مشکلاتی میشود و بسیاری از مالکین را در زحمت میاندازد و در آنجا چون موارد مافوقش از قبیل استیناف و تمیز هست لهذا دست شخص حالا چه مدعی چه مدعی علیه چه دولت باز است از برای کشف حقیقت باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم و گمان میکنم هیچ تجزیه بین دولت و سایرین نباید بکنیم

نایب رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای عمادی از ترتیبات عدلیه تا اندازه اطلاع دارند که يك کسی کاری دارد اول مرحله این است که وکیل مدافع بگیرد آن مالک بیچاره که دولت بر علیه او دعوی میکند چه جور میتواند حاضر شود در مقابل وکیل رسمی وزارت مالیه مدافعه کند ولی وقتی که بطور حکمیت شد يك کسی که محل اطمینان او هست از هر جهت، میتواند از او تمنا کند و آن مبتلا به خودش را با طرز ساده حکمیت خاتمه بدهد. بنظر بنده این قسمت در این ماده خیلی مفید است و رجوع بعدلیه شدن اساساً تولید مشکلات میکند

نایب رئیس - دو فقره پیشنهاد دیگر هم در همین موضوع رسیده است. پیشنهاد آقای دکتر طاهری (باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در مورد اختلاف بعدلیه مراجعه شود دکتر طاهری - بنده با نماینده محترم آقای آقا سید که حکمیت را اجباری میخواستند قرار دهند مخالفم برای اینکه ما يك قانون اساسی داریم و مرجع نظامات را عدلیه قرار داده ایم بنده میخواهم سؤال کنم که علت این چیست که دولت همیشه میخواهد شانه خالی کند

مخبر - اساساً این مطلب یکی از مسائل مهمی است که باید در آن خیلی توجه و دقت کرد نه فقط در اینجا بلکه در تمام موارد باید این دقت را کرد واقعاً باید دید که آیا دولت هم مثل سایر افراد باید در امور حقوقی بعدلیه برود یا نه؟ زیرا اساساً فرق است بین موردی که طرفین دو نفر شخص عادی و از افراد مردم باشند با موردی که يك طرف آن دولت یعنی جامعه باشد با یکی از افراد. زیرا دولت اساساً مرکب است از مجلس و عدلیه و مالیه و سایر وزارت خانها و بالاخره همه مؤسسات مملکتی و محاکمات اداری و تشکیلات قضائی اداری از قبیل شورای دولتی و غیره که در سایر ممالک هست برای محاکمه قطعی این نوع از دعاوی و این قبیل مسائل است حالا چون این مسئله مطرح نیست بنده در این باب دلائل خودم را ذکر نمیکنم ولی در هر حال این يك مسئله نظری است. اما در این قضیه بخصوص از اول تا آخر این لایحه را که ملاحظه فرمائید می بینید تمام موادش برای مساعدت و ارفاق نسبت به مالکین و مردم است. ما هر چه بتوانیم باید مسائل را سهل و آسان کنیم و این البته بهتر است دلائلی که آقای ملک مدنی اظهار کردند جای هیچگونه تردیدی باقی نمیگذارد و بیاناتشان تأیید میکند که این ترتیب حکمیت از تمام اقسام دیگر سهلتر و بهتر است زیرا فرض کنیم اگر بنا شود بعدلیه رجوع شود عدلیه مراحل مختلفه از ابتدائی و استیناف و تمیز دارد. و يك دعوائی ممکن است دوسه سال طول بکشد و این البته برخلاف آن نظری است که ما داریم. اگر آقای عمادی و دیگران تصور اعمال نفوذ نسبت بطرز حکمیت میکنند بنده عرض میکنم همین تصور هم در مورد عدلیه میرود باضافه اینکه يك اشکالات دیگری هم از مراجعه بعدلیه برای خود مردم تصور میشود زیرا وکیل باید بگیرد و يك مبلغی باید باو بدو بدو بدهد و هزار گرفتاری و معطلی دارد در صورتیکه اصل حکمیت هیچ این ترتیبات را لازم ندارد و خیلی سهل است. بلکه بنده عقیده ام این است

که در تمام موارد باید این اصل حکمیت را جاری و معمول داشت و همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند باید طوری کرد که غیر از حکمیت راه دیگری باز نباشد و مردم مجبور باشند که بهمین طریق داخل در فصل منازعه شوند اگر مقصود ارفاق و آسایش مردم است که همین ترتیب از هر جهت بهتر است و اگر مقصود اشکال تراشی است آنها هم يك موضوع دیگری است

نایب رئیس - رای میکنیم بقبال توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد. آقای زوار پیشنهاد

ختم جلسه کرده اند

شیروانی - بنده مخالفم.

رئیس - آقای زوار

زوار - عرض میکنم این مسئله به تجربه رسیده وقتی که نیمساعت از ظهر میرود آنطور دقت کاملی که باید در لوایحی که مطرح است بشود نمیشود و درست توجه نمیشود و چون این لایحه هم يك لایحه حیاتی است و برای مملکت يك قانون خیلی مهمی است و بنده میخواهم که آقایان با يك دقت و مطالعه خیلی سرشاری بآن رای بدهند و در يك وقت خیلی موسع و کاملی در آن مطالعه بفرمایند و عقاید خودشان را اظهار دارند از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که فعلاً جلسه ختم شود و در جلسه آتی شروع کنیم با تمام آن. و این ترتیب البته بهتر است

نایب رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده بقیه دارم که برای آقایان نمایندگان اول و آخر جلسه هیچ فرق و تفاوتی ندارد و آن دقتی را که باید در لوایح داشته باشند در همه وقت دارند بعلاوه به تجربه رسیده که هر وقت يك کاری که در شرف قطع و اکمال بوده همینکه به جلسه بعد افتاده

باز دو مرتبه تمام آن مذاکرات و عملیات گذشته رادر جلسه بعد از سر میگیریم و دو باره باید تمام جریانات را شروع کنیم و تجدید کنیم و این البته تضييع وقت است حالاً بنده عقیده ام این است که این یکماهه اقلانام شود آنوقت بنده هم موافقم که جلسه ختم شود

نایب رئیس - رای گرفته میشود پیشنهاد آقای زوار آقابانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند [چند نفری برخاستند]

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای امامی هم در زمینه همان پیشنهادانی است که رد شد امامی - بفرمائید یکمرتبه دیگر قرائت شود [بشرح ذیل خوانده شد]

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم بطریق ذیل اصلاح شود ماده ۲ - در مورد اختلافات حاصله بین دولت و مالکین خالصجات انتقالی اختلاف بموجب قوانین موضوعه مملکتی در محاکمه عدلیه قطع و فصل خواهد شد امامی - اجازه میفرمائید توضیح بدهم

نایب رئیس - آقا این فرقی ندارد و نظیر همان پیشنهادی است که رد شد

امامی - این پیشنهاد بنده دو نظر دارد خوب است اجازه فرمائید توضیح بدهم

نایب رئیس - بفرمائید

امامی - در این پیشنهاد بنده دو نظر است. یکی بعدلیه است این قسمت چون رد شده بنده توضیحی نمیدهم ولی يك نظر دیگری است در اینجا و آن کلمه متصرفین است که بنده تغییر داده ام و نوشته ام (بین دولت و مالکین خالصجات انتقالی) اگر اجازه میفرمائید راجع باین قسمت توضیحی عرض کنم

نایب رئیس - در این قسمت بفرمائید

امامی - عرض میکنم که در بین خالصجات انتقالی يك مقدار املاکی هستند که سابقاً بواسطه عدم تکافو

عایداتشان خود مالکین از آنها صرف نظر کرده اند و امروزه آن املاک در تصرف دولت است. خلاصه باین عنوان یا بعنوان دیگر دولت ملک آنها را متصرف شده حالا در این جا ما اگر بنویسیم (بین دولت و متصرفین ملک این اشخاص بکسی از بین خواهد رفت زیرا دولت متصرف آن املاک است از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام (مالکین خالصجات انتقالی نوشته شود) باین ترتیب این نظر بنده نامین خواهد شد

عدل - در این زمینه بنده هم يك پیشنهادی داده ام نایب رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - بنده تصور میکنم اگر این عنوان در این جا اضافه شود برعکس آن نظری خواهد بود که در مجلس اساساً حکمفرما است که: بند متصرف را باید قوی قرار داد و این پیشنهاد آقای امامی باین نظر صدمه میزند. بجهت اینکه ما در تمام موارد متصرف را مالک شناخته ایم در ماده اول هم که از قانون خالصجات انتقالی تعریف کرده ایم املاک را تصرف قرار داده ایم و گفته ایم هر کس که ملک در تصرف او است او مالک است دولت را هم از مزاحمت اشخاص ممنوع داشته ایم ولو اینکه ملک مال دولت بوده و در دفتر رقبیات هم ثبت باشد. در این صورت دیگر بنده گمان نمیکنم این پیشنهاد مورد داشته باشد

نایب رئیس - نظر کمیسیون چیست؟ مخبر - بسته برای مجلس است

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای امامی آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای افسر [بشرح ذیل خوانده شد]

پیشنهاد میکنم اضافه شود هرگاه یکی از دو طرف راضی بحکمیت نشد بعدلیه رجوع شود

افسر - البته مذاکراتی که آقایان فرمودند هیچکدام بآن تندی که اظهار شد نبود. همانطور که آقای فهیم الملک فرمودند اگر دولت راهبندت اجتماعی فرض کنیم عدلیه هم که يك جزء او است

خود دولت باید راضی باشد که بيك هیئتی که از خودش ناشی و تشکیل میشود مراجعه کنند خاصه اینکه يك مؤسسه رسمی است که مطابق قانون اساسی مرجع کلیه نظامات و جمیع مراجعات حقوقی است. مردم هم شاید راضی تر باشند که باین قسمت از هیئت اجتماعی مراجعه کنند. زیرا بالاخره هیئت اجتماعی حکم عدلیه را رسمی می شناسد در صورتیکه حکم را رسمی نمی شناسد. حکم را دولت معین میکند و شخص ولی عدلیه را قانون اساسی معین کرده. بعلاوه عدلیه استیناف و تمیز دارد و از این جهت قابل اطمینان تر است و هیئت اجتماعی اطمینانش از عدلیه زیاد تر است تا از حکم - بعضی از آقایان فرمودند طول مدت اسباب زحمت خواهد بود و از این جهت قائل بطرز حکمیت هستند. بعضی دیگر معتقد به حکمیت اجباری هستند. بنده عرض میکنم ما هنوز حکمیت اجباری را ندیده ایم و از جریاناتش مطلع نیستیم و نمی توانیم فواید و مضار آنرا با هم وفق دهیم و هنوز نمیدانیم محاسنش یا مفاسدش چیست. در هر حال به عقیده بنده باید مسئله تفکیک شود و جمع همه نظریات بشود و این ترتیب که بنده پیشنهاد کرده ام خیلی خوب است که اگر یکطرف بطرز حکمیت فرضاً راضی نشد حق داشته باشد بعدلیه رجوع کند اگر هم راضی شد که هیچ و این نظر بنده قدر مشترك است بین جمیع نظرها و از هر لحاظ بهتر است. زیرا ممکن است که طرف بحکمیت راضی نشود و بخواید بعدلیه که هم استیناف و هم تمیز دارد مراجعه کند در این صورت مانعی نخواهد داشت اگر هم به حکمیت راضی و قانع شد که هیچ. این بود نظریه بنده و همینطور هم پیشنهاد کرده ام

شیروانی - دو مرتبه قرائت فرمایند (پیشنهاد آقای افسر مجدداً خوانده شد)

نایب رئیس - آقای شریعت زاده شریعت زاده - بنظر بنده مجلس شورای ملی برای فصل کلیه اختلافات که در مملکت ایجاد میشود اعم از

اینکه بین دولت باشد یا افراد یا بین افراد با افراد باید اصل حکمیت را قبول و تصدیق کند. دنیای امروز هم باین مسئله متوجه شده و این اصل چه از نقطه نظر حسن جریان امور اداری مملکت و چه از نقطه نظر اجرای عدالت با اوضاع و احوال این مملکت تناسبش بیشتر است. ولی تصور میکنم اگر ما در این لایحه موضوع حکمیت را بخوایم اجباری کنیم آن نتایج مطلوبه حاصل نخواهد شد و از نقطه نظر اوضاع و احوال مملکت مادام که مؤسسات ما آن طوریکه باید اشخاص متناسب ندارند و در تحت مسؤولیت مقامات مهمه هستند و مورد تغییر واقع میشوند بهتر این است که همان اصل حکمیت را قبول کنیم و صلاح در این است که اگر متصرفین و مردم ادعائی بردولت دارند باصل حکمیت تمام کنند از این جهت بنده از آقای افسر استدعا میکنم که با این توضیحات بنده پیشنهاد خودشانرا مسترد بدارند و با بنده موافقت فرمایند

نایب رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید

مخبر - بسته برای مجلس است

نایب رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقابانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل (باین نهج خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده دو لفظ متصرفین تبدیل به معترضین شود

نایب رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود يك نکته آقای کازرونی در خارج به بنده تذکر دادند و قتیکه ملاحظه کردم دیدم نظریه ایشان وارد است ایشان گفتند در ماده اول تمام شرایط و شقوق

منظور شده است فقط يك مطلبی که خیلی اهمیت دارد از قلم افتاده است گرچه آقای امامی يك مختصر اشاره کردند و تذکری دادند ولی چون بعقیده بنده بیاناتشان کامل نبود درست‌مطلب را نپروراندند. بعضی املاک است که مردم بموجب اسناد و فرامین يك مدتی در تصرف داشتند ولی بعد دولت بيك علی آنها را ضبط کرده یا خود مردم واگذار کرده اند یا دولت بواسطه عللی ضبط کرده است در ماده اول هیچ اشاره و ذکر نشده که در این قبیل موارد تکلیف چیست چه باید کرد از این جهت بنده در ماده دو پیشنهاد کردم که لفظ (متصرفین) تبدیل به (معترضین) شود و اگر این طور شود هم اعتراض آقای کازرون رفع میشود و هم اگر کسی نسبت بيك ملکي معترض است می تواند تقاضا کند که بطور حکمیت قطع شود. غرض این است که اگر ما معترضین را بنویسیم آن قسمت را هم شامل میشود و بهتر است

مخبر - این عبارت آقای عدل بکلی این قانون را خراب میکند و عیب های زیاد دارد از اول تا آخر ملاک این قانون را متصرف قرار داده اند حالا نازه شمایی خواهید معترض را داخل کنید. مالک باید اقل متصرف ملک باشد ما اشخاصی را مالک میدانیم که ملک از سالیان دراز در تصرف آنها بوده و مالکیت آنها بموجب تصرف و غیره محرز است. نسبت باین قسم املاک ما ملک مردم شناخته ایم و اگر دولت حرف و ادعائی نسبت باینگونه املاک دارد باید ثابت کند ولی از آنطرف هم نمیتوانیم املاکی را که در تصرف دولت است ملک مردم بدانیم از اینجهت این لفظ معترضین اسباب زحمت اینقانون را فراهم خواهد آورد و اشکالات جدیدی فراهم خواهد کرد

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای عدل

عدل - اجازه میفرمائید عرض کنم

نایب رئیس - برای استرداد است

عدل - توضیح مختصری خواستم عرض کنم

موضوعه و عادی مملکت وزارت مالیه بتصرفات و املاک متصرفی مردم و لو صد سال هم گذشته باشد اهمیت نمیدهد بنده خودم در يك موضوعی از طرف يك بیچاره بيك كاري داشتم و موضوع بيك ملكی بود که شخصی متجاوز از ۱۵۰ سال بود که بموجب اسناد متصرف بوده اداره مستشار حقوقی وزارت مالیه صریحاً حکم صادر کرده بود که نسبت باین قبیل تصرفات نمیشود اعتراض کرد. ولی وزارت مالیه چون مخالف مصلحت اداری خود میدانست از این جهت راضی نمیشد و در تصرفات مردم تعرض میکرد و اسباب زحمت و اشکال آنها را فراهم میآورد به عقیده بنده باید باین وضعیات خانم داد. در این مملکت مادام که بيك كسي متصرف ملكی است جز مراجع صلاحیت دار هیچ مقامی حق ندارد متعرض او بشود

بعضی از نمایندگان - صحیح است

شریعت زاده - از این جهت بنده این پیشنهاد را

تقديم کردم دیگر بسته به نظر آقایان است

مخبر - در قسمت اول پیشنهاد آقای شریعت زاده

فقط تفاوت و پس و پیش عبارت است و الا چندانی

تفاوتی با لایحه ندارد. اما راجع به قسمت دوم که

تبصره باشد بنده قبول میکنم باین طور که این هیئت

حکمیه مادام که حکمی صادر نکرده است وزارت مالیه

حق نداشته باشد ملک را از تصرف منصرفش خارج

کند.

شریعت زاده - قسمت تبصره را که قبول فرمودند

در آن قسمت ماده برای بنده فرقی ندارد منتها تقدم

و ناخر عبارت را بنده رعایت کردم و چون مقصود دیگری

نیست لهذا بنده پس میگیرم

مخبر - در این جا بنده با بيك جمله آقای شریعت

زاده موافقم در آنجائی که نوشته شده است تصمیم

حکمیت برای طرفین قاطع و غیر قابل اعتراض است.

این جمله را در آخر جمله اول ماده باین طور: که در

مورد اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین در حدود

مورد اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین در حدود

نایب رئیس - خیر نمیشود. رای می گیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(دو سه نفر قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده

(شرح ذیل خوانده شد)

اصلاح ماده دوم؛

در مورد اختلاف بین دولت و متصرفین در حدود ماده

اولی رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد شد باین ترتیب

که یکنفر حکم از طرف وزارت مالیه و یکنفر از طرف

متصرف و بيك حکم مشترك بتراضی طرفین معین خواهد

شد در صورتیکه برای تعیین حکم مشترك تراضی حاصل

نشود حکمین چهار نفر را معین نموده و حکم مشترك را بوسیله

قرعه از میان چهار نفر معین خواهند نمود رای اتفاتی

یا اکثریت حکمها قطعی و غیر قابل اعتراض خواهد بود

تبصره - مادامی که هیئت حکمیت رأی خود را

صادر نماید متصرفین مالک شناخته میشوند و دولت

نمیتواند نسبت به تصرفات مالکانه آنها تعرض کند.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - قسمت اول پیشنهاد بنده در واقع

همان عبارت ماده بوده منتها اختلافی که با او دارد رعایت

ترتیب است بنده تذکر داده ام که هیئت حکمیت بجهت ترتیب

تشکیل میشوند بعد تصریح شده است قاطعیت رأی اکثریت

با اتفاق آراء و تصور میکنم در این باب توضیح زیادی

لازم نباشد عرض می کنم ولی از تبصره که پیشنهاد کرده ام

دو نظر داشتم یکی راجع بيك حقیقی است که باید

در مجلس شورای ملی توضیح داده شود، دیگر اینکه

این قانون اگر بيك چنین تبصره نداشته باشد قطعاً بيك

مشکلاتی برای متصرفین تولید خواهد شد. البته آقایان

شنیده اند که مخالف قانون اساسی و مخالف تمام قوانین

از این جهت بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود خوب است آقایان موافقت فرمایند که حالا جلسه ختم شود

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده اساساً با این فکر آقای حاج میرزا مرتضی موافقم. ولی چون از آنطرف يك كاری را شروع کرده ایم باید بانتها برسانیم. بنده قبول می کنم لایحه راه آهن پنج دقیقه بیشتر وقت لازم ندارد و يك رای بیشتر نمی خواهد خوب است آقای حاج میرزا مرتضی هم موافقت کنند که پس از انجام این لایحه جلسه ختم شود

حاج میرزا مرتضی - بنده موافقت میکنم

نایب رئیس - مخالفی نیست

کازرونی - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

کازرونی - يك قانونی الان در دست داریم و يك ماده اش هم مطرح شده پیشنهادات آن هم قرائت شده علت اینکه مانشتیم و جلسه را ادامه دادیم برای همین بود که ماده دو پایان برسد. اگر بنا باشد که مجلس باشد دلیل ندارد که وقت خودمان را صرف کار دیگری بکنیم و این ماده را تمام نکنیم. اگر جلسه ختم میشود که هیچ و اگر نمیشود دلیل ندارد يك قانونی که ما زحمتش را کشیده ایم بماند و يك لایحه جدیدی را بیآوریم و مطرح کنیم و این را بنده هیچ مناسب نمی دانم.

نایب رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای دادگر آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(عده زیادی قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده واحده قرائت

می شود.

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - بوزارتین مالیه و فوائد عامه اجازه

سیصد چهارصد هزار تومان بمصرف اصلاح این راه آهن برسانند ولی نگرانی بنده تمام در اجرای این کار است دولت چه تضمینی در این جا بما میدهد و چه در نظر گرفته است که بطور اصولی این اصلاحات بشود یعنی يك پولی که تصویب میشود در آنجا بيك اشخاص برسانند که از روی خبره گی و بصیرت و اطلاع و عملی نواقص را که این راه آهن دارد در نظر بگیرند و آن نواقص را مرتفع کنند فقط با تصویب يك اعتباری که ما آن اعتبار را ندانیم بچه صورتی می خواهند بمصرف برسانند... آقای معاون استدعا دارم توجه بفرمائید حضرت عالی باید جواب بنده را بدهید نه آقای دادگر. بنده استدعا میکنم توجه بفرمائید.

شیروانی - مجلس از اکثریت افتاد در نتیجه مذاکرات

شما !!

محمد ولی میرزا - بطوری که عرض کردم چیزی را که بنده طالب هستم آن را بدانم و دیگران هم طالب هستند این است که بچه طریق این عبارات را میخواهند بمصرف برسانند اگر مثل آن طریقی است که نا بحال معمول به بوده است بنده صریحاً عرض میکنم و اگر آقایان اطلاع ندارند بنده کاملاً مستحضر هستم و در جریان این امر بوده ام شما اشخاصی را ندانید که این راه را بکار بیندازند یعنی اشخاص عالم در آن جا وجود ندارد شما مهندس میخواهید، بکنفر هم کافی نیست امروز شما در آنجا بکنفر رئیس راه دارید که او البته اطلاعاتی تلمی دارد و تحصیل آن کرده است ولی سایر اعضای شما در آن جا اشخاصی هستند که بکلی بی اطلاع هستند و فلان آدم چون نخبه جوان است با ابروانی است و سابق در آن جاها بوده از نقطه نظر انواع و اقسام مراعاتها او را در آن جا آورده اند و يك دار العجزه هائی درست کرده اند ما سیصد هزار تومان چهار صد هزار تومان که در بودجه میدهیم برای این نیست که دار العجزه درست کنیم

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم بنده که امیدوار نیستم این لایحه در این جلسه بگذرد زیرا عده کم کم رو بنقصان میرود ممکن است برای رأی کافی نباشد بالاخره این مسئله ناشی از سوء تشخیص شاهزاده محمد ولی میرزا شد يك قضیه متفق علیه را بطور فائز تری و بیش حرف زدند و سبب شد که این جریان پیدا شد آقای مدرس عادت دارند که بلافاصله ظهر میروند بخانه شان و بالاخره از نقطه نظر این که تصور نشود که ایشان علاقه مند بان موضوع نیستند در این جا مانده اند و من از آقای محمد ولی میرزا صریحاً گله میکنم که در يك قضیه متفق علیه بفرض که ایشان اطلاع نداشتند از اخویشان سؤال میکردند و نمیگذاشتند این قضیه از جریان بیفتد. ما بایستی يك کاری بکنیم که اقتصادات و جریان مسائل مربوطه بآن تندتر شود و من نمیدانم حالا چرا جنابعالی مخالفت فرمودید

امامی - برای اینکه سوء استفاده کرده اند

دادگر - آمدم سر سوء استفاده. آذربایجان يك ایالتی است که نوزده یا هیجده وکیل دارد بایستی مراقبت کنند که قانون در حوزه انتخابیه شان خوب اجرا شود بالاخره سوء استفاده را نباید گله کرد مرد که گله نمیکند! مرد باید اقدام متقابل بکنند و بالاخره گله چه فایده دارد؟ سوء استفاده را باید رفع کرد ولیدر این کار هم شاهزاده محمد ولی میرزا نمیتواند باشد زیرا خودش رابطه های مستقل دارد و میتواند برود اعتراضاتش را بگوید و نظراتش را تأمین کند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

امامی - کافی نیست

نایب رئیس - آقای امامی مخالفید

امامی - عرض میکنم این يك قضیه ایست که نمایندگان آذربایجان کاملاً از اهمیت آن مسبوقند و گذشتن این لایحه بدون صحبت و مذاکره ممکن است برای ماها مقدور نباشد از این جهت آقایان اجازه بدهند که مذاکره شود و

عیوبات این لایحه گفته شود از این جهت بنده موافق نیستم که این مسئله باین زودی تمام شود .

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - بنده حقیقه تعجب میکنم اگر چنانچه نماینده محترم بروجرد، لرستان، ساوجبلاغ یا یکی از آقایان دیگر اعتراض میفرمودند جای تعجب نبود ولی آقایان نمایندگان آذربایجان بایستی با اطلاعاتی که دارند بیش از تمام نمایندگان موافق باشند . وقتی که خود ما تشخیص دادیم که

این نافع است شما بایستی با ما موافقت کنید و این مذاکرات مورد ندارد

نایب رئیس - عده برای رأی کافی نیست لهذا جلسه

را ختم میکنیم راجع بجلسه آتیه پیشنهاداتی شده است ولی چون عده کافی نیست البته رأی نمیتوان گرفت ولی چون اغلب شب یکشنبه را پیشنهاد کرده اند جلسه آتیه شب یکشنبه دو ساعت از شب گذشته جمعی از نمایندگان - صحیح است

(مجلس یکساعت و ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)